

وطندار Vatandar

سیاسی فرهنگی ادبی فلسفی

اصل این نوشته ، مضمون برنامه بی می باشد که از طرف تلویزیون دوپچه وله DW-TV در دسترس شبکه های تلویزیونی افغانستان قرار گرفته است. بدینوسیله جهت اجازه پخش آن در رسانه های دیگر، از تلویزیون دوپچه وله ابراز امتنان می گردد. وطندار بنا بر نیاز و اهمیت موضوع ، این مطلب را از روی نسخه بی جراید کشور اقتباس نموده است و با سپاس فراوان از تلویزیون دوپچه وله DW-TV درینجا به نشر می سپارد.



گنجینه های جهان - میراث بشریت

کاستل دل مُنتِه (ایتالیا)

برگردان و ویراستار: جیلانی لیب

کاستل دل مُنتِه Castel del Monte روشنایی است ، یک اسطوره و تاج سنگین اپولین Apulien یا پوگلی Puglie، اینجا در جنوب شرق ایتالیا . با درخشش نور، در این قصر، زمان به مکان می پیوندد.

فریدریش دوم Friedrich der Zweite ، از تبار آلمانیها و نورمان ها، که در عصر امپراطوری اش این بنا ایجاد شد، نوید بخش دنیا بود، نو آفرین زمانه ساز و کشورگشای.

تاریخ در مورد کمتر قدرتمدار دیگری اینقدر متضاد و متناقض به داوری نشسته ، وی را هم شایسته تحسین وستایش دیگران نشان داداه و هم سزاوار نکوهش عده بی قلمداد نموده است .

این بنا شاهد و گویای زمان امپراطوری وی میباشد. فریدریش دوم در سال ۱۲۴۰ میلادی دستور ایجاد این ساختمان را داد. مهندسان و معماران بعد از ده سال کار و کوشش ، قصری را بنا کردند؛ کاملاً مطابق تصورات فریدریش دوم . آری ، قصر کاستل دل مُنتِه گویای زمان قدرت وی گردید.

چنین بود که به دستور قیصر آلمانی تبار، از سنگ های تراشیده هموار و صاف، قصر پرشکوهی را با لبه های تیز و برنده اش در بلندی های یک صخره ، آباد نمودند. فریدریش، همچون پدرش هاینریش ششم ، که در ایام جوانی ازین جهان رخت بر بست ، مرد متدینی بود. وی مدتی بعد از تولد فریدریش، این " بچه اهل اپولین





" را توسط پذیرش و گزینش شاهزادگان آلمانی ، به عنوان شاه آینده آنها جانشین خویش ساخت . کاستیل دل مُنتِه، که مظهر قدرت این امپراطور از قبیله اشرفی "شتاوفر" Staufer بود ، بعد ها سمبول ناتوانی و ضعف بازماندگان وی گردید. پادشاه فرانسه کارل فون آنژو Karl von Anjou ، نواسه فریدریش را بیشتر از بیست

سال در این قصر زندانی نمود . زمانی اینجا محل فرار مردم از آفت طاعون نیز شده بود ، و مدتی هم پناهگاه چوپان ها و طویله رمه های حیوانات. برای اعمار کاستل دل مُنتِه در هر شکستگی دیوار ، یک برج هشت کنجه را بنا نمودند. بدینگونه شکل اصلی هر قسمت ساختمان، بنابر قوانین رموز اعداد، افزایش می یابد. در هیچ جای دیگری اشکال هندسی بطور مکمل چنین تحقق نیافته اند. دروازه ورودی بطرف شرق ، به گنبد ظفر و مدخل یک کلیسا می انجامد. هر کسی که اینجا وارد بشود، برای دخول در حیاط هشت کنجه یی که در آن سایه ها، بر اساس میزان آفتاب ، زمان سنجش میشود ، باید از اطاق دیگری بگذرد.



شکل آخرین این بنا با قصرهای دیگر جهان تطابقی ندارد: تعمیرگاه، آرامگاه ها و اطاق های مراسم مذهب به چنین گونه یی اعمار میگرددند. عبادتگاه سلاطین کارل بزرگ در شهر آخن Achen آلمان که فریدریش در آنجا تاجگذاری گردید، هشت گوشه یی می باشد.

سنگ ها در قصر کاستیل دل مُنتِه ، مرموز اند و گوای قدرت افسون این ساختمان، در اتحاد سمبول های مسیحیت با محاسبات الجبری است.

پرسش اینکه آیا فریدریش دوم هرگز در این بنای تعمیر شده به خواست وی آمده است یاخیر، نمیتواند کاملاً درست پاسخ داده بشود. این قصر برای بود و باش شاه اما ساخته نشده بود ، زیرا یک زمامدار، در محل مشخصی زندگی نمیکند ، بلکه حکمروایی مینماید، اما آبادانی های وی بایستی شاهد بودن او در همه جا می گردیدند. ۳ برج قصر طبقه اول ، از مجموع هشت مناره آن، به توسط زینه های مارپیچ، به منزل بالایی هدایت میشود.

طومار سرنوشت ، اغلباً موافق حال فریدریش دوم بود. وی دوران کودکی و جوانی اش را با همه خطرات دور



و برش بخوبی سپری نمود. هنوز ۳ ساله بود ، که مادرش تاج شاهی جزیره سیسیلی را که ملک میراثی او بود ، بر سرش نهاد و بعد ازین جهان رخت بر بست. فریدریش در بین دوستان و حسودانی که به حکمروایی اش چشم دوخته بودند و با همدیگر در



جنگ بسر میردند، بزرگ گردید و در روم پاپ قدرت طلبی فرمانروایی می نمود .

در چنین حالتی ، وی از همان آغازین به فراگیری لسان های دوستان ، دشمنان و بیگانگان پرداخت و با هر زبانی دانش او را نیز آموخت .

در منزل بالای قصر کاستیل دِل مَنْتِه ، هشت اطاق با هم متصل شده ، موقعیت دارند که همه همچون اطاق های منزل پایین ، دارای مساحت مساوی و ساختمان یکسان اند . گنبد های برجسته کلیسا مانند ، به شکوه اطاق ها در این قصر می افزایند.

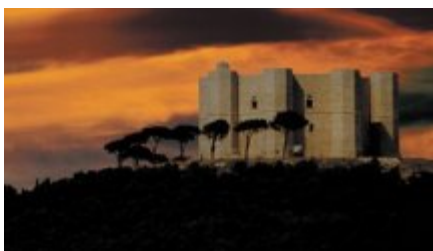
زمان اوج قدرت وی فرا رسید . فریدریش دوم در سن ۱۶ سالگی، تنها و متکی به خود از کوه های الپ گذشت و خواهان تاج شاهی اش گردید. مسند قدرت گرچه بوی میرسید ، عده بی اما دعوای سلطنت طلبی را داشتند.



وی پادشاه آلمان گردید و مدت هفت سال تا زمان تسلط کامل قدرتش در این کشور، که برایش بیگانه بود، باقی ماند. فریدریش با منزلت شاهی به ایتالیا برگشت و در شهر جاودانه روم مسکن گزید. اینک پاپ پیشوای کاتولیکان جهان مجبور شد تا وی را به عنوان قیصر روم برسمیت بشناسد.

سنگ های مرجانی و مرمرین این قصر با ابعاد مختلف خویش واحاطه شده توسط زمین سرخ، به شکل های هیجان انگیزی به هم پیوند یافته اند. قیصر آلمان و روم این سنگ های متنوع را ، که چون زنده دلان می نمایند ، زیاد دوست میداشت. وی فرمان داد تا دروازه ها ، حاشیه های دیواری و ستون ها را نیز باتنه های مرجانی رنگ رسامی بکنند. اکثر زینت های دیواری را از دیر زمانست که دیگر ر بوده اند. این سرقت اما نتوانسته است از تأثیر اطاق ها چیزی بکاهد. گویا برای قیصر مهم بوده است که اطاقهای این قصر با شکل واهمیت بی همتایش، جاودانه پا برجا بماند. قصر کاستیل دِل مَنْتِه ، تصورات مجسم شده یک شاه قدرت طلب در سنگ است وتاج اپولین ، اینجا در جنوبشرق ایتالیا، بشمار میرود.

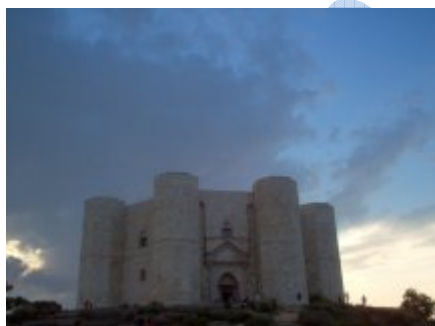
فریدریش دوم امپراطور دودمان "شتاوفر" ، اثر دیگری نیز از خود بجا گذاشته است : کتابی ، درباره



موضوعی که تا اکنون هیچ حکمروایی چیزی ننگاشته است: "در مورد هنر شکار با پرندگان".

علاقمندی فریدریش دوم به شکار با شاهین، بیش از اشتیاق یک شاه به این سرگرمی بود. موجودیت قصر کاستیل دِل مَنْتِه، بعنوان کاخ شکار این قیصر، اما تا کنون ثابت نشده است. وی که به علم و هنر عشق می ورزید، دانشگاهی را در ناپل Napoli تأسیس نمود. با هنرمندان و اندیشمندان اغلباً به مشوره می نشست، و هر چند که مُلحدین را مورد تعقیب قرار می داد، حق آزادی آئین را به دیگر باوران قایل گردیده بود. فریدریش دوم برخلاف میل خویش، به تقاضای پاپ، پیشوای مذهبی کاتولیکان از شاهان جهان مسیحیت، عازم جنگ های صلیبی گردید. وی که به زبان عربی نیز مسلط بود، توانست از طریق مذاکره شهر های مقدس مسیحیت را دوباره بدست بیاورد و تاج پادشاهی بیت المقدس را، فریدریش دوم، با افتخار بر سر گذاشت.

فریدریش که طی مدت سی سال پادشاهی خود، همه تنافض و مغایرت های ذاتیش را با همدیگر یگانگی بخشید، برای زمانه خویش همچنان بیگانه و ناشناخته باقی ماند. وقتی فریدریش ازین جهان رخت بر بست، دشمنش پتروس Petrus پیروزمندانه بر تخت شاهی بیان داشت:



«آسمان فریاد شادی سر داده و زمین به وجد درآمده است»

هر چند که فاصله دوران قدرت امپراطور فریدریش دوم از زمان زیادتر میگردد، به درخشش شهرتش بیشتر افزوده می شود.

قیصر آلمان و روم چشم ازین جهان فرو بسته است، اما سنگ، نور و اسطوره، در قصر کاستیل دِل مَنْتِه، باقی و یادگار نامش را زنده نگه داشته اند.

مدحی که به مناسبت تولد فریدریش دوم سروده شده است، بعد از مرگش، همچون سروشی آسمانی مینماید:

"نورِ درخشان!، بزی!"

و چون آفتاب جاویدان، بتاب!

از گهواره ات، اینک روزهای ظلمانی را

روشنی می بخشی."

پایان